دو فصلنامه علمی
پژوهشهای تطبیقی
در حقوق و علوم اجتماعی

Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences

The concept of a dangerous state in the law of the United States, France and Iran

Farnam Khosravi Pour (Corresponding Author)
khosravi9911@gmail.com
Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Science and Research University, Tehran, Iran
Amir Reza Tanha
Department of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
10 May 2026
Accepted، Available online:
23 August2026

Keywords:
Dangerous mode, comparative criminal law, crime prevention, security measures, preventive detention, individual freedom.

ABSTRACT

"Dangerousness is among the most contentious concepts in criminal law and criminology, since its assessment entails predicting future behavior and may justify measures that curtail individual liberty. The core question is how to reconcile the need for crime prevention with respect for individual rights and freedoms, without allowing the mere likelihood of future offending to substitute for proof of a crime or to serve as an independent ground for unrestricted state intervention. Adopting a descriptive–analytical method and a comparative approach, this article examines the concept of dangerousness and certain of its legal manifestations in the United States, France, and Iran. In U.S. law, pretrial detention and civil commitment under specific statutes exemplify interventions grounded in risk assessment. In France, Law No. 2008-174 of 25 February 2008 provides for a security detention mechanism under narrowly defined legal conditions. In Iran, Article 150 of the Islamic Penal Code of 2013 is significant in a specific context involving insanity following the commission of an offense and the detention of the individual subject to statutory conditions. The findings indicate that these examples differ in their rationale, purpose, and conditions of application and cannot be treated as instances of a single legal institution. Notwithstanding these differences, a clear statutory basis, individualized and reasoned assessment, proportionality, and the availability of oversight and review of decisions emerge as fundamental criteria for the legitimacy of liberty-restricting measures premised on future risk."

Cite this article. Khosravi Pour Farnam and other. (2026) The concept of a dangerous state in the law of theUnited States, France and Iran **Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**، 2(1).205-220.

Publisher: Hamyar Jahed Publications.

CC BY NC

مفهوم حالت خطرناک در حقوق ایالات متحده، فرانسه و ایران

فرنام خسروی پور(نویسنده مسئول)

khosravi9911@gmail.com

گروه حقوق کیفری و جرم شناسی،دانشکده حقوق، دانشگاه علوم و تحقیقات،تهران،ایران

امیر رضا تنها

گروه حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری،تهران،ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱٤۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش و انتشار:
۱٤۰۵/۰٦/۰۱

کلیدواژه‌ها:
حالت خطرناک، حقوق کیفری تطبیقی، پیشگیری از جرم، اقدامات تأمینی، بازداشت پیشگیرانه، آزادی فردی.

چکیده

حالت خطرناک از مفاهیم بحث‌برانگیز در حقوق کیفری و جرم‌شناسی است؛ زیرا ارزیابی آن به پیش‌بینی رفتار آینده مربوط می‌شود و ممکن است مبنای اتخاذ تدابیری قرار گیرد که آزادی فردی را محدود می‌کنند. مسئله اصلی آن است که چگونه می‌توان میان ضرورت پیشگیری از جرم و رعایت حقوق و آزادی‌های اشخاص تعادل برقرار کرد، بی‌آنکه احتمال ارتکاب جرم جایگزین اثبات جرم یا مبنایی مستقل برای مداخله نامحدود دولت شود. مقاله حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی، مفهوم حالت خطرناک و برخی جلوه‌های حقوقی آن را در ایالات متحده آمریکا، فرانسه و ایران بررسی می‌کند. در حقوق آمریکا، بازداشت پیش از محاکمه و نگهداری مدنی در چارچوب قوانین خاص، نمونه‌هایی از مداخله مبتنی بر ارزیابی خطر هستند. در فرانسه، قانون شماره ۲۰۰۸-۱۷٤ مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۰۸ سازوکار نگهداری امنیتی را در شرایط محدود قانونی پیش‌بینی کرده است. در ایران نیز ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در وضعیت مشخصی مرتبط با جنون پس از ارتکاب جرم و نگهداری شخص با رعایت شرایط قانونی اهمیت دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این نمونه‌ها از نظر مبنا، هدف و شرایط اعمال یکسان نیستند و نمی‌توان آن‌ها را مصادیق یک نهاد حقوقی واحد تلقی کرد. با وجود این تفاوت‌ها، ضرورت مبنای قانونی روشن، ارزیابی فردی و مستدل، رعایت تناسب و امکان نظارت و بازبینی تصمیم، از معیارهای اساسی مشروعیت اقدامات محدودکننده آزادی بر پایه خطر آینده است.

استناد دهی: خسروی پور، فرنام و دیگر همکاران (۱٤۰۵). مفهوم حالت خطرناک در حقوق ایالات متحده، فرانسه و ایران، **دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی**، ۲(۱). ۲۲۰-۲۰۵

ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

مقدمه

حقوق کیفری سنتی، در چارچوب اصولی همچون قانونی‌بودن جرم و مجازات، انتساب مسئولیت کیفری و تناسب ضمانت اجرا با رفتار ارتکابی، عمدتاً بر جرم واقع‌شده و پیامدهای حقوقی آن متمرکز است. بااین‌حال، ضرورت پیشگیری از وقوع آسیب‌های جدی و حمایت از امنیت عمومی، برخی نظام‌های حقوقی را به شناسایی تدابیری سوق داده است که اعمال آن‌ها، در شرایطی معین، نه صرفاً بر مبنای رفتار مجرمانه گذشته، بلکه با لحاظ ارزیابی خطرهای احتمالی آینده صورت می‌گیرد. چنین تدابیری، به‌ویژه هنگامی که متضمن محدودیت یا سلب آزادی فرد هستند، تنشی بنیادین میان الزامات پیشگیری و ضرورت صیانت از آزادی‌های فردی ایجاد می‌کنند. مسئله اساسی در این زمینه آن است که تحت چه شرایطی می‌توان ارزیابی خطر آینده را مبنای مداخله حقوقی قرار داد، بی‌آنکه پیش‌بینی رفتار احتمالی به جایگزینی اثبات جرم، توسعه ناموجه اختیارات قهری دولت یا توجیهی نامحدود برای سلب آزادی بینجامد.

در این چارچوب، «حالت خطرناک» مفهومی جرم‌شناختی و حقوقی است که برای توصیف وضعیتی به کار می‌رود که در آن، بر پایه مجموعه‌ای از قرائن و ارزیابی‌ها، احتمال وقوع رفتار زیان‌بار در آینده مطرح می‌شود. بااین‌حال، باید میان این مفهوم به‌مثابه مبنایی برای تحلیل خطر و آنچه به‌عنوان سبب قانونی مداخله شناخته می‌شود، تمایز قائل شد. صرف احراز یا انتساب حالت خطرناک، بدون وجود مبنای قانونی مشخص و تحقق شرایط مقرر برای اعمال آن، به‌خودی‌خود نمی‌تواند منشأ اختیار مستقل برای محدودکردن آزادی اشخاص باشد. از همین رو، مشروعیت هرگونه مداخله مبتنی بر خطر، مستلزم بررسی دقیق مبنای قانونی، ماهیت و شدت خطر مورد نظر، مرجع صالح برای تصمیم‌گیری و تضمین‌های ناظر بر ضرورت و تناسب اقدام است. افزون بر این، سابقه کیفری یا تشخیص اختلال روانی، هیچ‌یک به‌تنهایی اثبات‌کننده خطر آینده نیستند؛ همان‌گونه که ارزیابی کارشناسی نیز، با وجود اهمیت آن در فرایند تصمیم‌گیری، نباید جایگزین داوری حقوقی مرجع صالح یا تضمین‌های دادرسی منصفانه شود.

پژوهش حاضر برای بررسی این مسئله، سه نمونه از تدابیر حقوقی مرتبط با ارزیابی و مدیریت خطر را در ایالات متحده آمریکا، فرانسه و ایران مطالعه می‌کند: بازداشت پیش از محاکمه و نگهداری مدنی در حقوق آمریکا، نگهداری امنیتی در حقوق فرانسه و مقررات ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ایران. انتخاب این نمونه‌ها از آن جهت اهمیت دارد که هر یک در بستر حقوقی متفاوتی شکل گرفته و از حیث مبنای مداخله، مرحله اعمال، هدف حقوقی و شرایط استمرار محدودیت آزادی، ویژگی‌های خاص خود را دارد. بنابراین، مقایسه آن‌ها بر فرض همسانی ماهوی یا کارکردی این نهادها استوار نیست؛ بلکه هدف، شناسایی وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها بر اساس معیارهایی است که امکان ارزیابی حقوقی مداخلات مبتنی بر خطر را فراهم می‌کنند. برخی معیارها عبارت‌اند از مبنای قانونی، نوع و آستانه خطر مورد توجه، و... را شامل می شوند.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که قوانین و رویه‌های منتخب در آمریکا، فرانسه و ایران، از حیث مبانی توجیه‌کننده مداخله مبتنی بر خطر و تضمین‌های حقوقی حاکم بر آن، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند؟ پاسخ‌گویی به این پرسش مستلزم بررسی چند مسئله فرعی است:

- نخست، هر یک از تدابیر مورد مطالعه در چه مرحله‌ای از فرایند حقوقی و با چه هدفی اعمال می‌شوند؟
- دوم، ارزیابی خطر و نظر کارشناسی چه جایگاهی در احراز شرایط مداخله و اتخاذ تصمیم نهایی دارند؟
- سوم، چه تضمین‌هایی برای جلوگیری از خودسرانگی، تضمین تناسب اقدام و امکان بازبینی تصمیم پیش‌بینی شده است؟
- سرانجام، با چه ملاحظاتی می‌توان از یافته‌های این مقایسه برای تحلیل مقررات ایران بهره گرفت، بی‌آنکه تفاوت‌های ساختاری نهادهای مورد بررسی نادیده گرفته شود؟

پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام می‌شود و بر تحلیل متون قانونی، آرای قضایی شاخص و منابع علمی مرتبط استوار است. در این مسیر، نمونه‌های منتخب بر اساس معیارهای مشترک یادشده بررسی می‌شوند تا ضمن روشن‌شدن منطق حقوقی هر یک از تدابیر، حدود و شرایط توسل به آن‌ها نیز مشخص شود. انتخاب نمونه‌ها هدفمند است و ادعای بررسی جامع تمامی مقررات و رویه‌های قضایی سه کشور را ندارد. همچنین، موضوع پژوهش ارزیابی هنجاری و حقوقی مبانی و تضمین‌های این مداخلات است، نه سنجش تجربی اثربخشی آن‌ها. ازاین‌رو، نمی‌توان صرفاً بر پایه تحلیل مقررات یا مقایسه ساختارهای حقوقی درباره میزان موفقیت این تدابیر در کاهش تکرار جرم، دقت پیش‌بینی خطر یا آثار اجتماعی آن‌ها داوری قطعی کرد؛ چنین داوری‌هایی مستلزم بهره‌گیری از داده‌های آماری معتبر و پژوهش‌های تجربی مستقل است. وجه اصلی نوآوری پژوهش در ارائه چارچوبی تحلیلی برای تفکیک مداخلات مبتنی بر خطر بر حسب مبنای قانونی، مرحله اعمال و هدف حقوقی آن‌ها و به‌کارگیری این چارچوب در تحلیل مقررات ایران است. این رویکرد می‌کوشد از یک‌سو، تفاوت میان پیش‌بینی خطر و احراز سبب قانونی مداخله را برجسته سازد و از سوی دیگر، نقش تضمین‌های حقوقی را در محدودکردن اختیارات سالب آزادی روشن کند. بر این مبنا، «حالت خطرناک» نه به‌عنوان منشأ عام و مستقلی برای سلب آزادی، بلکه به‌مثابه مفهومی تحلیلی بررسی می‌شود که آثار حقوقی آن تنها در حدود قوانین مشخص و با رعایت شرایط و تضمین‌های مربوط قابل ارزیابی است. در نهایت، هدف پژوهش آن است که با تفکیک دقیق نهادهای مورد مطالعه و تبیین معیارهای مشترک ارزیابی آن‌ها، چارچوبی منسجم برای سنجش مشروعیت مداخلات مبتنی بر خطر و تحلیل انتقادی جایگاه آن‌ها در حقوق ایران فراهم آورد.

۱. مفهوم‌شناسی حالت خطرناک و مبانی نظری آن

۱ ـ ۱. تعریف حالت خطرناک

حالت خطرناک مفهومی ناظر به احتمال وقوع رفتار زیان‌بار در آینده است؛ (فدایی ۱۳۷۷) بنابراین، نباید آن را با ارتکاب جرم یا مسئولیت کیفری یکسان دانست. ارتکاب جرم به وقوع رفتاری مربوط است که قانون آن را ممنوع کرده است؛ مسئولیت کیفری نیز به قابلیت انتساب قانونی آن رفتار به شخص ارتباط دارد. در مقابل، ارزیابی خطرناکی به این پرسش می‌پردازد که آیا بر پایه اطلاعات موجود، احتمال وقوع رفتار زیان‌بار در آینده به اندازه‌ای هست که اتخاذ تدبیری قانونی را توجیه کند. (de Vries & Bijlsma ,2022) این تفاوت از نظر حقوقی اساسی است. نخست، خطرناکی به‌خودی‌خود جرم محسوب نمی‌شود. دوم، نمی‌توان تنها بر مبنای پیش‌بینی رفتار آینده، مجازاتی را اعمال کرد که قانون برای جرم ارتکابی مقرر کرده است. سوم، اگر قانون‌گذار نوعی اقدام پیشگیرانه را مجاز دانسته باشد، اعمال آن مستلزم احراز شرایط خاص همان اقدام است. در نتیجه، نمی‌توان از مفهوم کلی خطرناکی، اختیار عامی برای سلب آزادی یا تشدید مجازات استخراج کرد. در ادبیات جرم‌شناسی نیز باید میان پیش‌بینی خطر و قطعیت رفتار آینده تمایز گذاشت. ارزیابی خطر می‌تواند احتمال وقوع رفتار را بر اساس اطلاعات موجود برآورد کند، اما تضمین نمی‌کند که رفتار پیش‌بینی‌شده واقعاً رخ خواهد داد. ناتوت (۱۹۸۱) در بررسی پیش‌بینی بالینی رفتار خشونت‌آمیز، موضوع را به‌عنوان مسئله‌ای تخصصی و وابسته به کیفیت ارزیابی مطرح می‌کند. از این منظر، نتیجه کارشناسی باید به‌عنوان یکی از داده‌های تصمیم‌گیری بررسی شود، نه به‌عنوان اثبات قطعی خطر یا جایگزین تشخیص قانونی مرجع صالح است.

۱ ـ ۲. عوامل مؤثر در ارزیابی خطر

ارزیابی خطر ممکن است بر پایه سابقه رفتارهای خشونت‌آمیز، تکرار رفتار، شرایط موقعیتی و اجتماعی، وضعیت روانی مرتبط با پرونده و عوامل حمایتی یا بازدارنده انجام شود. هیچ‌یک از این عوامل، به‌تنهایی و در همه پرونده‌ها، دلیل قطعی خطرناکی نیست. سابقه کیفری می‌تواند یکی از داده‌های ارزیابی باشد، اما وقوع جرم آینده را اثبات نمی‌کند؛ به همین ترتیب، تشخیص اختلال روانی به‌خودی‌خود معادل خطرناک بودن نیست. (ابراهیمی ۱٤۰۳) باید میان ارزیابی بالینی، ابزارهای آماری پیش‌بینی و تصمیم قضایی تفاوت گذاشت. ارزیابی بالینی بر قضاوت تخصصی درباره وضعیت فرد تکیه دارد؛ ابزارهای آماری از الگوهای داده‌های گروهی برای برآورد احتمال استفاده می‌کنند؛ اما تصمیم قضایی علاوه بر این اطلاعات، باید شرایط قانونی و حقوق دفاعی شخص را رعایت کند. نتایج گروهی را نمی‌توان بی‌واسطه به فرد معین تعمیم داد و هر ارزیابی ممکن است با خطاهای مثبت یا منفی همراه باشد. ازاین‌رو، گزارش کارشناسی باید از حیث روش، داده‌های مورد استفاده، محدودیت‌ها و ارتباطش با معیار قانونی قابل بررسی باشد. مرجع قضایی نیز باید توضیح دهد که چرا این گزارش را پذیرفته و چرا اقدام انتخاب‌شده در شرایط پرونده ضروری و متناسب است.

۱ ـ ۳. خطرناکی و اصل تناسب

هرگاه ارزیابی خطر مبنای محدود کردن آزادی قرار گیرد، اصل تناسب اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. مطابق این اصل، اقدام انتخاب‌شده باید برای هدف مشروع مناسب باشد، از میان راه‌های مؤثر تا حد امکان کم‌محدودیت‌ترین روش انتخاب شود و شدت محدودیت با خطر مورد نظر تناسب داشته باشد. (de Vries & Bijlsma (2022)) صرف آنکه اقدامی با هدف پیشگیری از جرم انجام می‌شود، برای توجیه آن کافی نیست؛ باید مشخص شود که آیا خطر به اندازه کافی جدی و مشخص است و آیا راهکار کم‌محدودیت‌تری برای مدیریت آن وجود دارد. این ضرورت در مورد اقداماتی که ممکن است پس از پایان مجازات ادامه پیدا کنند، بیشتر است. (ابراهیمی ۱٤۰۳) در چنین شرایطی، تصمیم دیگر صرفاً بخشی از اجرای مجازات اولیه نیست، بلکه مبنای مستقلی برای ادامه محدودیت آزادی مطرح می‌شود. ازاین‌رو، قانون باید شرایط اقدام، مدت آن، مرجع تصمیم‌گیر و امکان بازبینی را روشن کند. اگر خطر با گذشت زمان کاهش یابد یا مبنای تصمیم از میان برود، ادامه محدودیت بدون ارزیابی مجدد می‌تواند با ضرورت و تناسب اقدام ناسازگار باشد.

۲ .حالت خطرناک در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا

۲ ـ ۱ .تعدد مبانی قانونی و ضرورت تفکیک سازوکارها

به دلیل ساختار فدرال ایالات متحده، مقررات مربوط به پیشگیری از خطر در یک قانون واحد خلاصه نمی‌شود. قوانین فدرال و ایالتی ممکن است در زمینه بازداشت پیش از محاکمه، نگهداری مدنی و برخی تدابیر پس از محکومیت، قواعد متفاوتی مقرر کنند. ازاین‌رو، نمی‌توان از یک قانون یا رأی قضایی نتیجه گرفت که در سراسر آمریکا قاعده‌ای یکنواخت درباره همه اشخاص خطرناک وجود دارد. برای بررسی حقوق آمریکا، باید میان دست‌کم دو وضعیت تفاوت گذاشت: نخست، تصمیم درباره آزادی یا بازداشت متهم در جریان رسیدگی کیفری؛ دوم، نگهداری مدنی اشخاصی که مشمول شرایط خاص یک قانون ایالتی هستند. هرچند در هر دو وضعیت ممکن است ارزیابی خطر مطرح شود، هدف، شرایط قانونی و آثار حقوقی آن‌ها یکسان نیست.

۲ ـ ۲. بازداشت پیش از محاکمه و قانون اصلاح وثیقه سال ۱۹۸۴

قانون اصلاح وثیقه سال ۱۹۸٤ آمریکا (Bail Reform Act of ۱۹۸٤) در مواد ۳۱٤۱ تا ۳۱٥٦ عنوان ۱۸ مجموعه قوانین ایالات متحده، چارچوب تصمیم‌گیری درباره آزادی یا بازداشت متهم پیش از محاکمه را تنظیم می‌کند. در پرونده‌های مشمول مقررات مربوط، دادگاه با توجه به شرایط قانونی و عوامل مرتبط با پرونده می‌تواند درباره آزادی متهم، تعیین شروط آزادی یا بازداشت تصمیم بگیرد. (Bail Reform Act of ۱۹۸٤, ۱۸ U.S.C. §§ ۳۱٤۱–۳۱٥٦) در این زمینه، خطر فرار و خطر برای امنیت اشخاص یا جامعه دو ملاحظه متفاوت‌اند. ممکن است در یک پرونده هر دو مطرح شوند، اما نمی‌توان آن‌ها را مترادف دانست.

همچنین بازداشت پیش از محاکمه با مجازات کیفری تفاوت دارد؛ زیرا در این مرحله، مسئولیت کیفری متهم هنوز به‌طور نهایی احراز نشده است. ازاین‌رو، تصمیم بازداشت باید بر پایه معیارهای قانونی مربوط اتخاذ شود و نمی‌تواند صرفاً به برداشت کلی از شخصیت متهم یا عنوان خطرناک متکی باشد. در پرونده nitedU Salerno .v States، دیوان عالی آمریکا قانون اصلاح وثیقه را در برابر ایرادهای قانون اساسی بررسی کرد و امکان بازداشت پیشگیرانه را در چارچوب شرایط خاص آن قانون تأیید کرد. (United States v. Salerno, ٤٨١ S.U. ٧٣٩, ١٩٨٧) اهمیت رأی در پذیرش نامحدود بازداشت بر پایه خطرناکی نیست؛ بلکه در بررسی قانونی بودن سازوکاری است که در آن، مداخله پیش از محاکمه به شرایط و تضمین‌های مشخص وابسته است. بنابراین، این رأی را نمی‌توان مجوزی عام برای بازداشت هر فردی دانست که احتمال ارتکاب جرم درباره او مطرح شده است. نتیجه حقوقی آن باید در محدوده قانون مربوط و موضوع پرونده فهمیده شود. از منظر مقاله حاضر، نمونه Salerno نشان می‌دهد که خطر آینده ممکن است در برخی تصمیم‌های آیین دادرسی کیفری مؤثر باشد، اما اثر آن به وجود مبنای قانونی و رعایت شرایط مقرر وابسته است.

۲ ـ ۳. نگهداری مدنی و رأی Hendricks .v Kansas

نمونه دیگر، قوانین خاص برخی ایالت‌ها درباره نگهداری مدنی اشخاصی است که پس از پایان مجازات کیفری، همچنان مشمول معیارهای قانونی ویژه‌ای شناخته می‌شوند. رأی Hendricks .v Kansas از نمونه‌های مهم این حوزه است. در این پرونده، دیوان عالی آمریکا قانون ایالت کانزاس درباره مرتکبان جنسی خشونت‌بار را بررسی کرد؛ قانونی که در صورت تحقق شرایط مقرر، نگهداری مدنی برخی اشخاص را پس از پایان مجازات امکان‌پذیر می‌کرد (Hendricks .v Kansas, ٥٢١ S.U. ٣٤٦, ١٩٩٧). این رأی باید با توجه به موضوع و شرایط همان قانون تحلیل شود. از آن نمی‌توان نتیجه گرفت که هر شخص دارای سابقه کیفری یا هر فردی که خطرناک توصیف شود، پس از پایان مجازات قابل نگهداری است.[1] نگهداری مدنی بر اساس قانون خاص، نیازمند احراز شرایط مستقل است و نباید ادامه خودکار مجازات تلقی شود. از منظر حقوقی، نکته مهم در این نمونه، تفکیک میان مسئولیت بابت جرم گذشته و شرایط قانونی مداخله بعدی است. سابقه محکومیت ممکن است بخشی از اطلاعات مرتبط باشد، اما به‌تنهایی جایگزین احراز شرایط مستقل نگهداری مدنی نمی‌شود. افزون بر این، عنوان «مدنی» نیز به‌تنهایی مسئله مشروعیت را حل نمی‌کند؛ زیرا شدت واقعی محدودیت آزادی، شرایط اعمال آن و امکان بازبینی باید جداگانه بررسی شوند.

۲ ـ ۴. ارزیابی تجربه آمریکا

تجربه آمریکا نشان می‌دهد که مفهوم خطرناکی در زمینه‌های حقوقی متفاوتی مطرح می‌شود. بازداشت پیش از محاکمه به تصمیم‌گیری در جریان رسیدگی مربوط است، درحالی‌که نگهداری مدنی موضوع قوانین خاص،

[1] .منبع،پیشین

مبنای دیگری دارد. در نتیجه، تحلیل این دو سازوکار در یک عنوان کلی بدون توضیح تفاوت‌های آن‌ها می‌تواند به برداشت نادرست از حقوق آمریکا منجر شود. وجه مشترک این دو نمونه، اهمیت معیارهای قانونی و ضرورت بررسی فردی وضعیت متهم یا محکوم‌علیه است. ارزیابی خطر ممکن است در تصمیم قضایی نقش داشته باشد، اما نمی‌تواند جایگزین قانون شود. هرچه تصمیم آثار سنگین‌تری بر آزادی شخص داشته باشد، ضرورت بیان دلایل، امکان اعتراض و بررسی مجدد شرایط نیز بیشتر می‌شود. بنابراین، تجربه آمریکا نه مؤید اختیار نامحدود دولت است و نه به معنای نفی مطلق اقدامات پیشگیرانه؛ بلکه بر ضرورت محدود کردن آن‌ها به شرایط قانونی مشخص دلالت دارد.

۳ .حالت خطرناک در حقوق فرانسه

۳ ـ ۱ .نگهداری امنیتی و مبانی قانونی آن

در حقوق فرانسه، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های قانونی مرتبط با حالت خطرناک، سازوکار نگهداری امنیتی (éretûs de tentionér) است که به موجب قانون شماره ۲۰۰۸-۱۷٤ مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۰۸ وارد چارچوب قانونی این کشور شد. این قانون در کنار مقررات مربوط به اعلام عدم مسئولیت کیفری به علت اختلال روانی، سازوکاری خاص را برای برخی اشخاص واجد شرایط قانونی پیش‌بینی کرد. بااین‌حال، نگهداری امنیتی را نباید با ادامه معمول اجرای مجازات یا با هر نوع محدودیت ناشی از ارزیابی خطر یکسان دانست (°n Loi ۲۰۰۸-۱۷٤ du ۲۵ vrieréf ۲۰۰۸). مطابق مقررات مورد نظر، این سازوکار به اشخاصی محدود می‌شود که شرایط قانونی خاصی را داشته باشند؛ از جمله محکومیت به برخی جرائم بسیار سنگین، وجود ارزیابی ویژه درباره خطر تکرار جرم و تحقق سایر شروط مقرر در قانون. بنابراین، صرف سابقه کیفری یا تشخیص کلی خطرناکی برای اعمال این اقدام کافی نیست. متن قانون فرانسه شرایطی مشخص برای نگهداری امنیتی پیش‌بینی کرده و آن را به ارزیابی‌های تخصصی و تصمیم مرجع صلاحیت‌دار مرتبط ساخته است. (de Code naleép dureéproc ,art .۷۰٦-۵۳-۱۳؛ °n Loi ۲۰۰۸-۱۷٤ du ۲۵ vrieréf ۲۰۰۸). متن قانون در پایگاه رسمی حقوقی فرانسه قابل دسترسی است.

اهمیت این سازوکار از آن جهت است که امکان محدودیت آزادی پس از پایان مجازات اولیه را مطرح می‌کند. در چنین وضعیتی، پرسش حقوقی صرفاً این نیست که مجازات مقرر برای جرم گذشته چه بوده است، بلکه این است که آیا شرایط قانونی مستقلی برای اقدام بعدی وجود دارد و آیا این اقدام با اصول حاکم بر آزادی فردی سازگار است. به همین دلیل، نگهداری امنیتی از نظر مبنا و آثار باید از مجازات کیفری تفکیک شود، هرچند آثار واقعی آن بر آزادی شخص ممکن است بسیار شدید باشد.

۳ ـ ۲. کنترل قانون اساسی و محدودیت‌های مداخله

قانون سال ۲۰۰۸ در تصمیم شماره ۲۰۰۸-۵۶۲ DC مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۰۸ شورای قانون اساسی بررسی شد. شورا بخشی از مقررات را مغایر قانون اساسی اعلام کرد و بخش‌هایی دیگر را با تحفظ‌هایی تأیید کرد. از جمله، برخی مقررات انتقالی ماده ۱۳ قانون به دلیل مغایرت با قانون اساسی کنار گذاشته شد و در ماده ۱۲ نیز واژه‌ای که اختیار دادگاه اجرای مجازات را به نظر موافق یک کمیسیون وابسته می‌کرد، مغایر قانون اساسی شناخته شد. بنابراین، توصیف تصمیم شورا صرفاً به‌عنوان تأیید کلی نگهداری امنیتی، دقیق نیست؛ باید میان تأیید مشروط، عدم انطباق جزئی و حدود زمانی اعمال مقررات تفکیک کرد (nstitutionnelco Conseil, n cisionéd °n ۲۰۰۸-۵۶۲ DC, ۲۱ vrieréf ۲۰۰۸).

اهمیت این تصمیم برای بحث حاضر آن است که عنوان‌گذاری یک اقدام به‌عنوان «غیرکیفری» به‌تنهایی پاسخ‌گوی مسئله مشروعیت آن نیست. هنگامی که اقدام عملاً به محرومیت شدید از آزادی منجر می‌شود، مبنای قانونی، شرایط دقیق اعمال، استقلال مرجع تصمیم‌گیر و امکان بازبینی اهمیت اساسی پیدا می‌کنند. در عین حال، نباید از این تصمیم نتیجه گرفت که شورا همه ابعاد نگهداری امنیتی را بدون قید تأیید کرده است؛ نتیجه حقوقی باید به منطوق و تحفظ‌های خود رأی محدود بماند.

۳ ـ ۳. تمایز اختلال روانی از خطرناکی

در تحلیل حقوق فرانسه باید میان اختلال روانی، عدم مسئولیت کیفری و خطر ارتکاب جرم در آینده تفاوت گذاشت. عدم مسئولیت کیفری به شرایطی مربوط می‌شود که بر انتساب مسئولیت کیفری اثر می‌گذارد؛ اما خطرناکی ناظر به احتمال وقوع رفتار زیان‌بار در آینده است. این دو مفهوم ممکن است در برخی پرونده‌ها با یکدیگر ارتباط پیدا کنند، ولی از نظر حقوقی مترادف نیستند. صرف وجود اختلال روانی، بدون احراز سایر شرایط قانونی، نباید به معنای خطرناک بودن فرد تلقی شود.

همچنین، شدت جرم گذشته به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که خطر آینده همچنان وجود دارد یا ادامه محدودیت آزادی ضرورت دارد. اگر قانون برای اقدامی خاص، شرایطی مستقل تعیین کرده باشد، مرجع تصمیم‌گیر باید همان شرایط را احراز کند و نمی‌تواند از یک تشخیص پزشکی یا سابقه محکومیت، نتیجه‌ای فراتر از حدود قانونی به دست آورد. این تفکیک برای جلوگیری از انگ‌زنی به اشخاص مبتلا به اختلال روانی نیز اهمیت دارد. وضعیت پزشکی فرد به‌خودی‌خود اثبات‌کننده رفتار مجرمانه آینده نیست و استفاده از آن در تصمیم‌های محدودکننده آزادی باید به موضوع پرونده و معیار قانونی مرتبط محدود بماند.

۳ ـ ۴. ارزیابی تجربه فرانسه

تجربه فرانسه نشان می‌دهد که مداخله مبتنی بر خطر آینده می‌تواند در قالب یک سازوکار خاص قانونی پیش‌بینی شود، اما وجود چنین سازوکاری به معنای اختیار نامحدود دولت برای نگهداری اشخاص نیست. قانون سال ۲۰۰۸ و تصمیم شورای قانون اساسی درباره آن بر ضرورت توجه به شرایط اعمال، تناسب مداخله و تضمین‌های حقوقی دلالت دارند. بااین‌حال، از این نمونه نمی‌توان درباره فراگیری عملی نگهداری امنیتی یا میزان موفقیت آن در کاهش تکرار جرم نتیجه قطعی گرفت؛ چنین ادعاهایی به داده‌های رسمی و مطالعات تجربی نیاز دارند. آنچه از منابع حقوقی یادشده می‌توان استنباط کرد، وجود یک چارچوب قانونی خاص و ضرورت کنترل آن در پرتو اصول آزادی فردی است.

۴. حالت خطرناک در حقوق کیفری ایران

۴ ـ ۱. مفهوم خطرناکی و حدود آثار حقوقی آن

در حقوق ایران، باید میان حالت خطرناک به‌عنوان مفهومی در جرم‌شناسی و آثار حقوقی‌ای که قانون برای وضعیت‌های مشخص پیش‌بینی کرده است، تفاوت گذاشت. وجود یک اصطلاح در ادبیات علمی لزوماً به معنای شناسایی آن به‌عنوان مبنایی مستقل و عام برای سلب آزادی یا تشدید مجازات در قوانین موضوعه نیست. برای تعیین اثر حقوقی خطرناکی، باید ماده قانونی مرتبط، شرایط اجرای آن و حدود اختیار مرجع صالح مشخص شود. (فدایی ۱۳۷۷) بر این اساس، صرف تشخیص خطرناکی نمی‌تواند جایگزین اثبات جرم یا شرایط قانونی مسئولیت کیفری شود. همچنین، هر عاملی که از نظر جرم‌شناختی در ارزیابی احتمال تکرار جرم اهمیت داشته باشد، لزوماً جهت قانونی تشدید مجازات نیست. آثار هر عامل باید در حدودی اعمال شود که قانون مقرر کرده است و نمی‌توان از هدف کلی پیشگیری از جرم، اختیار نامحدود برای اتخاذ تصمیم‌های محدودکننده آزادی استنباط کرد.

۴ ـ ۲. ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی و وضعیت جنون پس از ارتکاب جرم

ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از مقررات مهم در بررسی ارتباط وضعیت روانی، نگهداری و خطر برای نظم و امنیت عمومی است. این ماده ناظر بر وضعیتی خاص مرتبط با جنون پس از ارتکاب جرم و نگهداری شخص در محل مناسب، با رعایت شرایط و ترتیبات قانونی مربوط است) قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۵۰) اهمیت این ماده در آن است که وضعیت روانی شخص و خطر احتمالی برای نظم و امنیت عمومی را در چارچوب قانونی مشخص مورد توجه قرار می‌دهد؛ اما قلمرو آن نباید به همه مصادیق حالت خطرناک تعمیم داده شود. این ماده حکمی عام درباره تمام اشخاص دارای سابقه کیفری، تمام اشخاص مبتلا به اختلال روانی یا هر فردی که احتمال ارتکاب جرم درباره او مطرح است، وضع نمی‌کند.

برای استناد به آن باید شرایط قانونی همان وضعیت احراز شود. همچنین، جنون و خطرناکی دو مفهوم متفاوت‌اند. تشخیص جنون به وضعیت روانی و آثار آن در چارچوب قواعد حقوقی مربوط است، درحالی‌که ارزیابی خطر آینده به احتمال وقوع رفتار زیان‌بار در شرایط مشخص مربوط می‌شود. (نفر و آذرین ۱۴۰۱) وجود اختلال روانی به‌تنهایی دلیل قطعی خطرناکی نیست و نمی‌توان صرفاً از وضعیت پزشکی شخص، ضرورت نگهداری یا استمرار محدودیت آزادی را نتیجه گرفت. تصمیم باید بر پایه قانون، وضعیت مشخص پرونده و رعایت حقوق فرد اتخاذ شود.

۴ ـ ۳. اقدامات تأمینی و تمایز آن‌ها از مجازات

اقدامات تأمینی از نظر هدف و مبنا با مجازات تفاوت دارند. مجازات اصولاً واکنشی قانونی به جرم ارتکابی و مسئولیت کیفری است؛ درحالی‌که اقدام تأمینی، در مواردی که قانون پیش‌بینی کرده باشد، ممکن است با هدف پیشگیری یا مدیریت وضعیت خاص اتخاذ شود. (اردبیلی ۱۳۹۹) بااین‌حال، صرف نام‌گذاری یک اقدام به‌عنوان تأمینی برای توجیه آن کافی نیست. باید مبنای قانونی، شرایط اجرا، شدت محدودیت، مدت و امکان بازبینی آن بررسی شود. در بررسی پیشینه قانون‌گذاری ایران، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ نیز از نظر تاریخی اهمیت دارد. بااین‌حال، تعیین وضعیت اعتبار و قابلیت اعمال احکام این قانون مستلزم بررسی دقیق قوانین بعدی، مقررات نسخ و ارتباط هر حکم با نظام حقوقی کنونی است. بنابراین، بدون بررسی حکم‌به‌حکم نمی‌توان کل قانون را به‌صورت کلی معتبر یا منسوخ دانست. در تحلیل حقوق جاری، استناد به مقررات مشخص و احراز وضعیت قانونی آن‌ها از تعمیم تاریخی یا اصطلاحی دقیق‌تر است.

۴ ـ ۴. خطرناکی و تعیین مجازات

یکی از نکات مهم در تحلیل حقوق ایران، جلوگیری از خلط حالت خطرناک با جهات قانونی تشدید مجازات است. پیش‌بینی احتمال تکرار جرم، هرچند ممکن است در برخی سازوکارهای قانونی اهمیت داشته باشد، به‌خودی‌خود مجوز تشدید مجازات نیست. (اردبیلی ۱۳۹۹) برای نمونه، مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی در زمینه تخفیف مجازات قرار دارند و نمی‌توان از آن‌ها اختیار عامی برای تشدید مجازات بر اساس خطرناکی استخراج کرد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۳۷ و ۳۸) به همین ترتیب، نهادهایی مانند آزادی مشروط و تعویق صدور حکم باید بر اساس شرایط و آثار قانونی خود بررسی شوند. این نهادها ممکن است در شرایطی با اهداف پیشگیرانه ارتباط داشته باشند، اما نمی‌توان آن‌ها را بدون توضیح مبنای قانونی، ابزارهای عام و همسان مدیریت حالت خطرناک معرفی کرد. در نتیجه، استفاده از مفهوم خطرناکی در تصمیم قضایی باید به مواردی محدود شود که قانون برای آن اثر مشخصی پیش‌بینی کرده است. اگر هدف، توسعه ابزارهای پیشگیرانه باشد، تعیین معیارهای روشن و تضمین‌های مؤثر در قانون‌گذاری اهمیت اساسی دارد؛ زیرا مفهوم کلی خطرناکی، بدون ضابطه مشخص، ممکن است به تصمیم‌های ناهمسان نامتناسب منجر شود.

۴ ـ ۵. ارزیابی وضعیت حقوق ایران

مقایسه نظام‌های حقوقی مورد مطالعه، تنها در صورتی از اعتبار تحلیلی برخوردار است که تفاوت‌های ماهوی نهادهای مورد بررسی حفظ شود. بازداشت پیش از محاکمه در حقوق فدرال ایالات متحده آمریکا، نگهداری مدنی موضوع قانون ایالت کانزاس، نگهداری امنیتی در حقوق فرانسه و مقرره ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ایران، از حیث مبنای قانونی، هدف، مرحله مداخله و شرایط اعمال، نهادهایی متمایزند. وجه اشتراک محدود آن‌ها در این است که در هر یک، وضعیت شخص یا ارزیابی خطر می‌تواند در چارچوبی قانونی بر تصمیمی مؤثر بر آزادی فرد تأثیر بگذارد.

بااین‌حال، این اشتراک کارکردی نه به معنای وحدت مبنای حقوقی آن‌هاست و نه امکان تعمیم ضوابط و نتایج مربوط به یکی به دیگری را فراهم می‌کند. ازاین‌رو، تحلیل تطبیقی حاضر بر بررسی ماهیت و هدف مداخله، مرحله اعمال، مبنای قانونی، نوع خطر مورد توجه، جایگاه ارزیابی کارشناسی و تضمین‌های ناظر بر استمرار، اعتراض و بازبینی تصمیم استوار است.

نخستین تفاوت اساسی این نهادها به مرحله و هدف مداخله مربوط می‌شود. در حقوق ایالات متحده آمریکا، بازداشت پیش از محاکمه در چارچوب فرایند کیفری و پیش از تعیین نهایی مسئولیت کیفری مطرح است و باید بر اساس مقررات حاکم بر آزادی پیش از محاکمه و معیارهای قانونی مربوط، از جمله خطر فرار یا مخاطرات مشخص برای ایمنی، ارزیابی شود. در مقابل، نگهداری مدنی موضوع قانون کانزاس تابع مبنای قانونی و شرایط مستقلی است و نمی‌توان ضوابط آن را با مقررات بازداشت پیش از محاکمه یکسان دانست. در حقوق فرانسه نیز نگهداری امنیتی سازوکاری خاص با شرایط قانونی مربوط به استمرار محدودیت آزادی پس از محکومیت و اجرای مجازات است. د

ر حقوق ایران، ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر وضعیت خاص جنون پس از ارتکاب جرم و آثار حقوقی مقرر برای آن است. بنابراین، تفاوت مرحله مداخله و هدف قانونی هر نهاد، مانع از آن است که این تدابیر صرفاً به دلیل ارتباط احتمالی با ارزیابی خطر، هم‌ارز تلقی شوند.دومین محور مقایسه، مبنای قانونی و معیارهای توجیه‌کننده مداخله است. در نظام حقوقی آمریکا، بازداشت پیش از محاکمه تابع مقررات فدرال مربوط است، درحالی‌که نگهداری مدنی موضوع قانون کانزاس بر اساس قانون ایالتی و معیارهای خاص خود بررسی می‌شود؛ ازاین‌رو، هیچ‌یک را نمی‌توان بدون توجه به قلمرو صلاحیت و مبنای قانونی آن به کل نظام حقوقی آمریکا تعمیم داد. در فرانسه، نگهداری امنیتی باید در چارچوب قانون شماره ۲۰۰۸-۱۷٤ و مقررات مرتبط تحلیل شود و ارزیابی آن مستلزم توجه به تصمیم شماره ۲۰۰۸-۵٦۲ DC شورای قانون اساسی و محدودیت‌های ناشی از نظارت قانون اساسی است.

در ایران نیز ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی تنها در حدود موضوع و شرایط مقرر در آن قابل استناد است و نمی‌توان از این ماده، بدون وجود مستند قانونی مستقل، اختیار عامی برای نگهداری اشخاص بر مبنای مفهوم کلی حالت خطرناک استنباط کرد.سومین محور، جایگاه ارزیابی خطر و نظر کارشناسی در فرایند تصمیم‌گیری است. ارزیابی تخصصی ممکن است در شناخت وضعیت شخص یا بررسی احتمال وقوع رفتار زیان‌بار در آینده نقش مؤثری داشته باشد؛ بااین‌حال، اهمیت آن نباید به معنای جایگزینی ارزیابی کارشناسی با معیار قانونی یا استدلال مرجع تصمیم‌گیر تلقی شود. در هر یک از نظام‌های مورد بررسی، ابتدا باید روشن شود که قانون چه شرایطی را برای مداخله مقرر کرده و ارزیابی تخصصی در احراز کدام‌یک از این شرایط نقش دارد. به همین ترتیب، سابقه کیفری، وضعیت روانی یا سایر عوامل مرتبط، بدون بررسی شرایط پرونده و سایر شواهد، نباید به‌عنوان دلیل قطعی بر وجود خطر آینده در نظر گرفته شوند. این تفکیک، به‌ویژه در مواردی اهمیت دارد که نتیجه ارزیابی خطر می‌تواند به استمرار یا تشدید محدودیت آزادی بینجامد.

چهارمین محور به تضمین‌های حقوقی و امکان نظارت بر تصمیم مربوط است. مشروعیت مداخله را نمی‌توان صرفاً از عنوان قانونی آن یا هدف اعلام‌شده پیشگیری از خطر استنتاج کرد؛ بلکه باید شرایط اتخاذ تصمیم، حقوق دفاعی شخص، مدت و شدت محدودیت، امکان اعتراض و وجود سازوکار مؤثر بازبینی نیز بررسی شوند. در حقوق آمریکا، نوع و گستره این تضمین‌ها تابع نهاد و مقررات قابل اعمال است. در فرانسه، تحلیل نگهداری امنیتی باید با لحاظ تضمین‌های قانونی و محدودیت‌های ناشی از نظارت قانون اساسی صورت گیرد. در حقوق ایران نیز نمی‌توان از بررسی یک ماده قانونی به‌تنهایی درباره کفایت یا گستره تمام تضمین‌های مرتبط با محدودیت آزادی نتیجه‌گیری کرد؛ بلکه لازم است مقرره مورد نظر در ارتباط با سایر قواعد قانونی و آیین‌های نظارتی مرتبط بررسی شود.

در سطح تحلیلی، هرچه محدودیت آزادی شدیدتر یا طولانی‌تر باشد، ضرورت توجیه مستدل، بررسی گزینه‌های کم‌محدودیت‌تر و پیش‌بینی امکان اعتراض و بازبینی مؤثر اهمیت بیشتری می‌یابد. در نهایت، حدود استنتاج از این مقایسه باید به‌روشنی مشخص شود. قوانین و آرای قضایی شاخص می‌توانند مبانی حقوقی مداخله مبتنی بر خطر و محدودیت‌های وارد بر اختیارات دولت را روشن کنند، اما به‌تنهایی برای داوری درباره اثربخشی عملی این تدابیر، میزان کاهش تکرار جرم یا دقت پیش‌بینی خطر کفایت ندارند. چنین داوری‌هایی مستلزم داده‌های آماری معتبر، بررسی نحوه اجرای مقررات و پژوهش‌های تجربی مستقل است. افزون بر این، از آنجا که نمونه‌های مورد بررسی تمام مقررات و رویه‌های سه کشور را پوشش نمی‌دهند، نتایج مقایسه باید در حدود همین نمونه‌ها تفسیر شوند. به‌ویژه در حقوق ایران، ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی برای تحلیل یک وضعیت قانونی خاص اهمیت دارد، اما به‌تنهایی برای اثبات وجود یا فقدان تمام ابعاد یک نظام عام مدیریت خطر کافی نیست.

برآیند این تحلیل آن است که دستاورد اصلی مقایسه برای حقوق ایران، نه اقتباس مستقیم از یک نهاد خارجی، بلکه تأکید بر ضرورت تفکیک دقیق مبانی و شرایط مداخلات محدودکننده آزادی است. هرگونه پیشنهاد برای اصلاح یا توسعه تدابیر مبتنی بر خطر باید نوع خطر، گروه مشمول، معیارهای احراز، مرجع صالح، نقش ارزیابی کارشناسی، مدت و شرایط استمرار اقدام و سازوکارهای اعتراض و بازبینی را به‌صراحت تعیین کند. همچنین، بررسی گزینه‌های کم‌محدودیت‌تر باید بخشی از فرایند توجیه مداخله باشد. بر این مبنا، پیش‌بینی خطر آینده، حتی اگر بر ارزیابی تخصصی استوار باشد، نمی‌تواند بدون تحقق شرایط مقرر در قانون به مبنایی مستقل برای سلب آزادی تبدیل شود. بنابراین، رویکرد قابل دفاع در حقوق ایران، تفسیر منضبط مقررات موجود و، در صورت احراز ضرورت تقنینی، تدوین قواعد روشن درباره حدود و شرایط مداخله است؛ رویکردی که امکان حمایت از جامعه در برابر خطرهای جدی را در کنار اصل قانونی‌بودن و تضمین آزادی‌های فردی فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

حالت خطرناک مفهومی ناظر بر ارزیابی احتمال وقوع رفتار زیان‌بار در آینده است که از حیث مبنا و کارکرد باید از ارتکاب جرم، احراز مسئولیت کیفری و تشخیص اختلال روانی متمایز نگه داشته شود. از آنجا که ارزیابی خطر آینده ذاتاً با عدم قطعیت همراه است، نمی‌توان صرف احراز یا انتساب چنین حالتی را منشأ مستقل و کافی برای مداخله محدودکننده آزادی دانست. مشروعیت حقوقی این مداخلات مستلزم وجود مبنای قانونی مشخص، تحقق شرایط مقرر در قانون و رعایت تضمین‌های ناظر بر ضرورت، تناسب و نظارت قضایی است. بر این اساس، باید میان ارزیابی خطر به‌عنوان ابزاری برای شناخت و پیش‌بینی رفتار احتمالی و احراز شرایط قانونی لازم برای اعمال یک اقدام محدودکننده تمایز قائل شد؛ تمایزی که نقشی اساسی در جلوگیری از توسعه ناموجه اختیارات سالب آزادی ایفا می‌کند.

بررسی تطبیقی نمونه‌های منتخب در ایالات متحده آمریکا، فرانسه و ایران نشان می‌دهد که نهادهای مرتبط با مدیریت خطر، علیرغم برخورداری از برخی دغدغه‌های مشترک، از حیث ماهیت حقوقی، مبنای مداخله، مرحله اعمال و هدف قانونی، یکسان نیستند. در حقوق آمریکا، بازداشت پیش از محاکمه در چارچوب مقررات فدرال و نگهداری مدنی بر اساس قانون کانزاس، دو سازوکار متمایزند که هر یک باید با توجه به شرایط و معیارهای قانونی خاص خود بررسی شوند. در حقوق فرانسه نیز قانون شماره ۲۰۰۸-۱۷٤ سازوکار نگهداری امنیتی را پیش‌بینی کرده است؛ بااین‌حال، تصمیم شماره ۲۰۰۸-۵٦۲ DC شورای قانون اساسی، با اعلام مغایرت بخشی از مقررات با قانون اساسی و تأیید بخش‌هایی دیگر با تحفظ، نشان می‌دهد که پذیرش اصل یک سازوکار حقوقی را نمی‌توان به معنای تأیید بی‌قیدوشرط تمام ابعاد آن تلقی کرد.

در حقوق ایران نیز ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر وضعیت خاصی از جنون پس از ارتکاب جرم و آثار حقوقی مترتب بر آن است و نمی‌توان از مفاد آن، بدون وجود مستند قانونی مستقل، اختیار عامی برای نگهداری اشخاص صرفاً به دلیل انتساب حالت خطرناک استنباط کرد.

یافته محوری این مقایسه آن است که تحلیل مشروعیت مداخلات مبتنی بر خطر، مستلزم تفکیک دقیق نوع اقدام، مرحله مداخله، مبنای قانونی، معیار احراز خطر، مرجع تصمیم‌گیر و تضمین‌های دادرسی است. در این چارچوب، نظر کارشناسی می‌تواند در روشن‌کردن ابعاد تخصصی خطر نقش مؤثری داشته باشد، اما به‌تنهایی جایگزین استدلال قضایی و احراز شرایط قانونی مداخله نمی‌شود. به همین ترتیب، سابقه کیفری یا وضعیت روانی اشخاص نیز نباید بدون بررسی سایر اوضاع‌واحوال مرتبط، قرینه‌ای قطعی بر وقوع رفتار زیان‌بار در آینده تلقی شود. افزون بر این، هرچه مداخله با محدودیت شدیدتر یا طولانی‌تر آزادی همراه باشد، ضرورت توجیه مستدل آن، بررسی امکان استفاده از تدابیر کم‌محدودیت‌تر، پیش‌بینی حق اعتراض و تضمین بازبینی مؤثر و متناسب با ماهیت و استمرار خطر اهمیت بیشتری می‌یابد.

از حیث حدود استنتاج، نتایج این پژوهش ناظر بر تحلیل حقوقی و هنجاری نمونه‌های منتخب است و دلالتی بر اثربخشی تجربی تدابیر مورد بررسی یا میزان دقت پیش‌بینی خطر در سه نظام حقوقی ندارد. سنجش این ابعاد مستلزم دسترسی به داده‌های رسمی، بررسی رویه اجرایی و بهره‌گیری از پژوهش‌های تجربی مستقل است. همچنین، انتخاب هدفمند چند نمونه قانونی شاخص، دامنه تعمیم یافته‌ها را محدود می‌کند و مانع از آن است که نتایج حاصل، بدون بررسی‌های تکمیلی، به تمامی مقررات و رویه‌های قضایی کشورهای مورد مطالعه تسری داده شوند. ازاین‌رو، بررسی جامع‌تر آرای قضایی، نحوه اجرای عملی تدابیر، میزان استمرار محدودیت آزادی و اعتبار تجربی ابزارهای ارزیابی خطر می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی قرار گیرد.

در نهایت، دلالت اصلی پژوهش برای حقوق ایران آن است که مواجهه حقوقی با خطرهای احتمالی آینده باید در چارچوب قانونی روشن و با رعایت اصول حاکم بر محدودیت آزادی اشخاص صورت پذیرد. از این منظر، راهکار قابل دفاع، استنباط اختیار عام برای سلب آزادی از مفهوم انتزاعی «حالت خطرناک» نیست، بلکه تفسیر محدود و منضبط مقررات موجود و، در صورت احراز ضرورت سیاست‌گذاری تقنینی جدید، تدوین قواعدی صریح درباره شرایط و آستانه مداخله، معیارهای احراز خطر، صلاحیت مرجع تصمیم‌گیر، مدت و شرایط استمرار اقدام، حقوق دفاعی فرد و سازوکارهای مؤثر اعتراض و بازبینی است.

فهرست منابع و مآخذ

الف) قوانین و آرای قضایی

- قانون اقدامات تأمینی، مصوب ۱۳۳۹.
- قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲.
- Kansas v. Hendricks, 521 U.S. 346 (1997).
- Loi n° 2008-174 du 25 février 2008 relative à la rétention de sûreté et à la déclaration d'irresponsabilité pénale pour cause de trouble mental.
- United States v. Salerno, 481 U.S. 739 (1987).
- Bail Reform Act of 1984, 18 U.S.C. §§ 3141–3156.
- Conseil constitutionnel. (2008). Décision n° 2008-562 DC du 21 février.

ب) منابع فارسی

- ابراهیمی، ش. (۱٤۰۳). **جرم‌شناسی پیشگیری (جلد ۱)**. انتشارات میزان.
- اردبیلی، م.ع. (۱۳۹۹). **حقوق جزای عمومی (جلد ۳)**. انتشارات میزان.
- فدایی، ف. (۱۳۷۷). حالت خطرناک. **مجله حقوقی دادگستری، ۲۵**(۹).
- نفر، ز.، و آذرین، ز. (۱٤۰۱). نظارت بر مجرمان روانی خطرناک در پرتو ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی: چالش‌ها و راهکارها. **مجله فقه و حقوق نوین، ۹**(۱۷).

ج) منابع انگلیسی و فرانسوی

- de Vries, M., & Bijlsma, J. (2022). The elusive concept of dangerousness: The state of the art in criminal legal theory and the necessity of further research. Criminal Justice Ethics, 41(2), 142–166. https://doi.org/10.1080/0731129X.2022.2102837
- Gkotsi, G. M., Moulin, V., & Gasser, J. (2015). Neuroscience in the courtroom: From responsibility to dangerousness, ethical issues raised by the new French law. L'Encéphale, 41(5), 385–393. https://doi.org/10.1016/j.encep.2014.08.014
- Monahan, J. (1981). The clinical prediction of violent behavior. U.S. Department of Health and Human Services.
- Monahan, J., Bonnie, R. J., Appelbaum, P. S., Hyde, P. S., Steadman, H. J., & Swartz, M. S. (2001). Mandated community treatment: Beyond outpatient commitment. Psychiatric Services, 52(9).